

مردم علیه کاسبان ترس

حضور متفاوت مردم در راهپیمایی روز قدس پیام روشنی برای کاسبان ترس داخلی و خارجی داشت



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

چالش شکل گرفته میان ایران و آمریکا بعد از خروج این کشور از توافق هسته‌ای هر روز ابعاد تازه‌ای پیدا می‌کند و به اصطلاح به روز می‌شود.

بعد از آنکه آمریکا ۱۸ اردیبهشت گذشته از برجام خارج شد و سپس تحریم‌های همه‌جانبه‌ای را علیه ایران اجرایی کرد. بعد از بازگرداندن تحریم‌ها حالا نوبت به آن رسیده بود که پس از فرو ریختن توافق هسته‌ای، ترامپ ایران را وارد یک فاز مذاکراتی جدید کند، فازی که در آن همان گونه که از دوران تبلیغات ریاست جمهوری وعده داده بود، مطالبات حداکثری این کشور از ایران در جریان سه موضوع هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای به‌عنوان نقاط قوت استراتژیک و بازدارنده روی میز می‌آمد و با خلع ید شدن جمهوری اسلامی از این سه نقطه قوت، دیگر ایران کشور خطرناک برای دنیای تک قطبی و ظالمانه آمریکا نبود و شرایط برای تسلیم هر سرنوشتی به ایران فراهم می‌آمد. در این مسیر ایالات متحده آمریکا چند فاز مختلف را عملیاتی کرد تا به عبارتی مانند تکه‌های یک پازل تئوری فشار حداکثری بر ایران را به صورت کامل اجرایی کند. بد نیست بخشی از این فرآیند را مرور کنیم.

فاز صفر: ا همان گونه که گفته شد، درگیری ایالات متحده با ایران باید از نقطه‌ای مهم آغاز می‌شد و چه نقطه‌ای بهتر از برجام، جایی که بخشی از تنش‌ها را به حالت تعلیق درآورده بود. ترامپ با خروج از دوران تبلیغات ریاست جمهوری و بلافاصله بعد از ورود به کاخ سفید فضای همکاری با ایران را متزلزل کرده بود و در ۱۸ اردیبهشت سال ۹۷ با خروج از برجام دوباره همه چالش‌ها را به‌روز کرد و ساله هسته‌ای را نیز به دیگر مسائل اضافه کرد. او همراه با این اقدام و با وجود اینکه ایران بیش از ۱۰ گزارش مهم از آنس ببن المللی انرژی اتمی را پشت سر خود داشت و با اجرای پروتکل الحاقی و اجازه انجام بازرسی‌های متعدد حتی از دانشگاه‌های کشور اثبات کرده بود که هیچ‌عنوان به دنبال توسعه برنامه هسته‌ای و حرکت به سمت تسلیحات هسته‌ای نیست، مدعی شد ایران به دنبال تولید تسلیحات اتمی است و با این ادعای واهی مراتب بعدی فشارها علیه ایران را برنامه‌ریزی کرد. در این مسیر البته باید به اقدام هماهنگ صهیونیست‌ها با اشاره کرد. بنیامین نتانیاهو با برگزاری یک شوی تلویزیونی تحت عنوان کشف مقر فعالیت‌های هسته‌ای در تورقوزآباد مدعی فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده ایران شد، فعالیت‌هایی که با مراجعه به مکان ادعایی، به یک فالشوبویی خلاصه می‌شد!

فاز اول: بازگرداندن تحریم‌ها مهم‌ترین فاز در ایجاد فشار حداکثری بر ایران بود. یکبار در میانه مرداد ماه سال گذشته در دوم در آبان ماه تمامی تحریم‌هایی که در برجام نام آنها ذکر شده و تعلیق شده بود، دوباره اجرایی شد. این تحریم‌ها البته مکمل‌هایی هم داشت، از جمله قانون تحریم وزیران آمریکا و فشارهای FATF به عنوان یک مجموعه به اصطلاح بین المللی که خود باعث رصد اطلاعاتی ترانکش‌های مالی ایران و سپس اعمال محدودیت‌های جدید برای جمهوری اسلامی می‌شد. لازم به ذکر است استراتژی جدید آمریکا اجرای موه‌بومی این تحریم‌ها بود و برای رسیدن به این هدف دو تغییر در وزارت خزانه‌داری و وزارت خارجه آمریکا ایجاد شد. در وزارت خزانه‌داری میز تحریم ایران به یک شبه اداره با قریب به ۴۰ کارمند تبدیل شد و در وزارت خارجه مجموعه‌ای تحت مسئولیت برایان هوک، با عنوان گروه اقدام ایران تشکیل شد.

فاز دوم: آمریکایی‌هایی دانستند که اقتصاد ایران به فروش نفت با رجاست از این‌رو علاوه بر تحریم‌های نفتی و مالی، انرژی مضاعفی بر بستن تمامی راه‌های فروش نفت ایران صرف کردند. تئوری به صفر رساندن فروش نفت ایران در دوران ترامپ و در زمان مسئولیت مایک پمپئو در وزارت خارجه به صورت جدی اجرایی شد و بعد از یک بازه حدوداً هشت ماهه از آبان ۹۷ تا اردیبهشت ماه گذشته حلقه تحریم‌های نفتی ایران کامل شد. در این هشت ماه اول تلاش شد با اقداماتی چون افزایش تولید عربستان و امارات، وارد کردن ۶ میلیون بشکه نفت ذخیره آمریکا به بازار، به هم ریختن و نزولاً و در دست گرفتن نبض صادرات نفت این کشور و ترقیب روسیه به افزایش تولید نفت، جای خالی ایران در بازار نفت جبران شود و هم‌زمان قیمت‌ها نیز افزایش نیابد و ثانیاً رایزنی‌های گسترده‌ای با واردکنندگان عمده نفت ایران انجام گرفت تا جایگزینی نفت ایران آغاز شود. در این ایام متناوباً معافیت‌هایی برای هشت کشور از جمله چین، ژاپن، کره جنوبی، هند و ترکیه در نظر گرفته می‌شد که با فرارسیدن ماه می (اردیبهشت) این معافیت‌ها خاتمه یافت.

فاز سوم: فشار بر سازوکار اروپایی حربه بعدی بود. هر چند از ابتدا معلوم بود که اروپایی‌ها بانی اقدام همه‌جانبه برای حمایت از ایران را در برجام پس از خروج آمریکا ندارند اما با فشارهای آمریکا کلا عقب کشیدند و هنوز نه SPV را اجرایی کرده‌اند و نه INSTEX را. اروپا که با فشار ایران هر بار اقدامکی برای راه اندازی سازوکار همکاری اقتصادی با ایران می‌کرد در یک سال گذشته تحت فشار آمریکا هیچ کاری از پیش نبرده و مسیرهای اروپایی هیچ کدام شان به ایران ختم نشده است.

فاز چهارم: آمریکا از فروردین سال ۹۷ تا امروز با واسطه‌های متعددی از جمله عربستان سعودی و امارات، تلاش کرده با بازارهای ارزی ایران را به هم بریزد. دخالت در بازارهای دبی و سلیمانیه که از مراکز اصلی تامین ارز ایران و مهم‌ترین نقاط فعالیت تجار و صرافی‌های ایرانی هستند طراح خطرناکی بود که در سال ۹۷ زمینه‌ساز افزایش چند هزار تومانی دلار شد و در سال ۹۸ هم قرار بود شرایط مشابهی را ایجاد کند که با

اصل مطلب

انتقاد عجیب عارف از پوشش خبری ماجرای قتل همسر محمدعلی نجفی

حرف زور

گذشته از آن تصور واکنش عارف و رفا دربارہ شرایطی که صدوسیما سانسور را بر رویه کنونی ترجیح می‌داد، سخت نیست. به‌طور طبیعی درصورت اتخاذ چنین رویه‌ای در همین جریان، درست‌عکس گفته‌های امروز رئیس فراکسیون اصلاح طلبان مجلس، صدوسیما را مورد انتقاد قرار می‌دادند که چرا از فرآیند اطلاع‌رسانی عقب افتاده و عرصه را به رسانه‌های غیررسمی واگذار کرده و اجازه داده ماه پشت ابر بماند؟

طرح انتقادهایی از این دست آن‌هم در چنین بستری میان جریان سیاسی متبوع عارف انگار نوعی رویه است و نگاهی به گذشته نشان می‌دهد نمونه‌های مشابه جالبی هم دارد. فروردین ۷۹ که بعد از روشن‌نگری‌های رسانه‌های منتقد دولت درباره کنفرانس برلین و تکذیب و توجیه سران جریان حاکم، تصاویری از آن در تلویزیون پخش شد، بسیاری از اصلاح‌طلبان از این اقدام صدوسیما براشتند و آن را به باد انتقاد گرفتند. علی‌اکبر محتمشی‌پور، عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز در نامه‌ای به لاریجانی، رئیس وقت رسانه ملی نوشت: «سیمای

سیاست



رئیس مجلس در خطبه‌های پیش از نماز جمعه روز قدس:

مذاکره امتداد تحریم است

شما اول تحریم‌های گسترده را وضع می‌کنید و بعد می‌گویید مذاکره کنیم و تا وقتی آتش همین آتش است و کاسه همین کاسه، نتیجه این نحوه مذاکره امتداد عمل تحریم است.»

رئیس مجلس ریشه این رفتار آمریکایی‌ها را نوع مواجهه برخی سران منطقه با آنها دانست و گفت: «متأسفانه کشورهای منطقه نسبت به آنها خود را خاضع نشان دادند و با همین پیش‌فرض آمریکایی‌ها فکر می‌کنند ملت ایران را هم می‌توانند با فشارها به تغییر رفتار مجاب کنند.» لاریجانی خطاب به سران کاخ سفید گفت: «بساط فریبکاری تان را جمع کنید. فکرمی‌کنید اگر مرتب تکرار کنید و بگویید ما می‌خواهیم مذاکره کنیم، سران کشورهای مختلف مجاب می‌شوند که شما راست می‌گویید و ملت ایران هم مجاب می‌شود که واقعا آمریکایی‌ها می‌خواهند مذاکره کنند؟» وی ضمن اشاره به مجموعه تحولات در این باره با بیان اینکه با وضعیت کنونی مذاکره چه معنایی دارد، تصریح کرد: «مثل این می‌ماند که یک مشت دزد اموال خانه‌ای را بگیرند و سپس در بزنند و بگویند حاج آقا! آمده ایم مذاکره کنیم. چه مذاکره‌ای؟ اگر می‌خواهیم مذاکره کنیم، اموال را پس بده و برو.»

رئیس مجلس با بیان اینکه برخی این رفتارها را واقعیت منطقه می‌دانند، گفت: «پس این روز است و مذاکره نیست. وقتی دزدی خانه‌ای را سرقت می‌کند با زور آن دزد را دستگیر کرده و اموال را از او پس می‌گیرند، نه با مذاکره. در واقع پلیس می‌آید آن دزد را می‌گیرد و به سزای عملش می‌رساند، در حالی که حالا در صحنه بین المللی آن پلیسی که می‌خواهد کاری کند، خودش جزء سردم‌دزدان درهاست.»

لاریجانی راه چاره مقابله با این دزدها را تقویت خود دانست و تاکید کرد: «حاضر نیستیم بر سر مسائل دفاعی کشورمان مذاکره کنیم، چون راهی جز این نداریم و در چنین قضایی شعار مذاکره بوج است.» وی اصرار بر مذاکره دربارۀ توان موشکی و برد موشک‌ها را هم متاثر از تفکر منفعت‌طلبانه‌ای دانست که در زیربنای فکری آمریکایی‌ها وجود دارد و خاطرنشان کرد: «نتیجه حرف‌های آمریکا که یک روز ملت ایران را تروریست می‌خواند و یک روز دم از مذاکره می‌زند، این است که بزرگی ملت ایران را نشانخته‌اند.»

به گفته رئیس مجلس، اقدامات متقابل علیه رفتارهای آمریکا در بحث اتمی آغاز شده و به‌طور مستمر ادامه خواهد یافت تا آمریکایی‌ها سر قتل بیایند.



راهپیمایی روز قدس امسال در حالی برگزار شد که موضوع معامله قرن بیش از همیشه بر آن سایه انداخته بود؛ معامله‌ای که به گفته رئیس مجلس، این روزها داماد دلال مسلک ترامپ سخت به دنبال جوش دادن آن است و حل مسالهای که ۷۰ سال درگیری سیاسی سر آن وجود داشته از سوی رئیس جمهور آمریکا به این جوانک بی‌تجربه سپرده شده است.

معامله قرن دغدغه اکثر مسئولانی بود که در شهرهای مختلف در راهپیمایی دیروز حضور یافته بودند. رئیس جمهور گفت این معامله به ورشکستگی قرن تبدیل خواهد شد و به نتیجه‌ای نخواهد رسید. رئیس قوه قضائیه هم فرجام این سناریو را مقاومت قرن دانست. وزیر امور خارجه نیز با تاکید بر اینکه قدس فروشی نیست، یادآور شد قدس نه متعلق به آمریکا است که به اسرائیل بیخشد نه رژیم صهیونیستی می‌تواند ادعایی بر آن داشته باشد. قالیباف، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام معامله قرن را معامله ترامپ با چند نفر به اندازه انگشتان یک دست دانست و گفت: «سرنوشت فلسطین و منطقه را دل‌های نفتی و آمریکای یهودی و صهیونیست‌ها تعیین نمی‌کنند.» منتظری این معامله را لقمه بزرگ‌تر از دهان آمریکا، صهیونیست‌ها و شیوخ عرب قلمداد و خاطرنشان کرد این لقمه آنها را خفه خواهد کرد.

سرلشکر صفوی، مشاور عالی فرمانده کل قوا، این پروژه را مولودی مرده متولد شده دانست و سردار یزدی، فرمانده سپاه محمد رسول الله هم گفت این سناریو طنز تلخی است که قبلا هم بارها شکست خورده. یزدی این را هم گفت که «ما موافق هستیم معامله قرنی صورت بگیرد، ولی این معامله قرن باید در زمین‌های غزه باشد و توسط مردم غزه برای تعیین سرنوشت‌شان باشد و مردم فلسطین باید خودشان برای آینده‌شان تصمیم بگیرند.»

تربییون‌های رسمی و غیررسمی روز قدس البته فقط محدود به مسائل جهان اسلام نبود و محورهای دیگری را هم دربر می‌گرفت. لاریجانی که از تربییون سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه روز قدس تهران سخن می‌گفت، گذشته از مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای در لایه‌لای اظهارات خود گریزی هم به مقوله مذاکره به‌عنوان یکی از موضوعات داغ فضای سیاسی داخل کشور زد و گفت: «آمریکایی‌ها می‌گویند ما توافق هسته‌ای را قبول نداریم، لذا از این توافق خارج شدند و تحریم‌های زیادی را علیه ملت ایران وضع کردند؛ اما وقتی کاری از پیش نبرند، هر روز سرشان را از پنجره اتاق خواب‌شان بیرون می‌آورند و می‌گویند ما می‌خواهیم درباره منطقه، موشک و موضوع هسته‌ای مذاکره کنیم.» وی با طرح این سوال که مذاکره مجدد در زمینه هسته‌ای چه معنایی دارد، ادامه داد: «این چه مذاکره‌ای است که

اما واقعیتی که از ایران پیش‌روی آمریکا است با سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ متفاوت خواهد بود. زمانی که ایران دوباره به شرایط ماقبل برجام برگردد، تمامی تحریم‌ها بازخواهند گشت، ولی ایران هم راه دور زن تحریم‌ها را یاد گرفته است، هم بخش مهمی از منطقه غرب آسیا را به جغرافیایی استراتژیک خود اضافه کرده است و دیگر یک کشور با محدوده مشخص نیست که بتوان به‌سادگی آن را محاصره کرد یا آن را وارد یک منازعه نظامی کرده تا زمینگیر شود. آمریکایی‌ها امروز به این مساله واقفند و از این‌رو گزاف نیست که بگوییم آمریکایی‌ها برای جلوگیری از اضافه شدن قدرت

جمهوری اسلامی در یک اقدام غیرمنتظره صحنه‌های مستهجن فیلم کنفرانس برلین را پخش کرد که موجب جریحه‌دار شدن عواطف و احساسات اکثریت اشخاصی که به مشاهده آن نشستند، شد. حزب مشارکت هم که از قضا دو نماینده در این کنفرانس داشت –علیرضا علوی تبار و حمیدرضا جلالی‌پور- این اقدام را محکوم و آن را حربه‌ای برای تسویه حساب سیاسی با اصلاحات ارزیابی کرد. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی همان روزها در خطبه‌های نماز جمعه در پاسخ به اعتراض اصلاح‌طلبان در پخش این گزارش گفت: «حالا این حرف‌ها را می‌زنند که یک خانم برهنه دارد آنجا می‌رقصد. چرا این را آوردید و نشان دادید؟ این دیگر، حرف است. شما هر شب در فیلم‌ها از این خانم‌ها می‌بینید. کسی غصه این چیزها را نمی‌خورد، لااقل شما نمی‌خورید. انصاف زور نیست که ما در یکجا بخواهیم همه چیز شفاف و اطلاع‌رسانی واضح باشد و در یکجا بخواهیم شفاف نباشد.»

توضیحات رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح درباره مجوز حمل سلاح نجفی

شکرالله بهرامی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح روز گذشته در حاشیه مراسم راهپیمایی روز قدس در خصوص برخی شایعات درباره مجوز حمل سلاح توسط آقای نجفی گفت: «سازمان قضایی نیروهای مسلح به هیچ‌عنوان مرکز صدور مجوز سلاح نیست و اصلا سازمان قضایی حق انجام چنین کاری را ندارد.»



وی افزود: «مجوز حمل سلاح توسط مراکز نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات صادر می‌شود و این موضوع به سازمان قضایی نیروهای مسلح ارتباطی ندارد.» در روزهای گذشته و در حاشیه ماجرای قتل میترا استاد، یکی از مهم‌ترین ابهامات برای افکار عمومی چرایی مسلح بودن نجفی با وجود نداشتن سمت رسمی و مهم‌تر از آن پروتکل‌های مرتبط با این موضوع بود. پیش از این سردار رحیمی، فرمانده انتظامی پایتخت توضیح داده بود: «نجفی با توجه به مسئولیتی که در گذشته داشته در جایگاه داشتن محافظ نبود و سلاح حمل می‌کرد؛ اما از سال ۹۴ تاکنون مجوز سلاح او نیز باطل شده و سلاح وی غیرقانونی و فاقد مجوز بوده است.»